

گرامر مختصر دری

گرد اورنده : عبدالعلي رسولزاده

گرامر مختصر دری

افکار و مقاصد خود را توسط کلام بیان می کنیم. کلام از ترکیب کلمات به وجود می آید. کلمات از ترکیب صداها تشکیل می گردند. این صداها را به نام حرفهای صوتی می نامند. این حرفهای صوتیکه در زبان دری بهکار می روند عبارت اند از:

ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ
م ن و ه ی.

از جمله حروف فوق (و ا ی) را حروف صدا دار Vokaler گویند. و حروف متباقی را بنام حروف بی صدا یا Konsonanter نامند.

کلام اجزاء ذیل دارند :

Substantiv	اسم
Adjektiv	صفت
Pronomen	ضمیر
Verb	فعل
Adverb	قید
Prepositioner	حروف اضافه
Konjunktioner	حروف ربط

۱- اسم Substantiv

اسم نام انسان، حیوان، جای، چیز، کیفیت یا احساس را گویند
مانند احمد، گوسفند، کابل، گریه، خوشی، غم و غیره.
اسم دو قسم است، اسم عام و اسم خاص:

الف - اسم عام: اسم عام آن اسم است که مانند آن زیاد وجود داشته باشد، مثل: کتاب، قلم، شهر، بچه، دختر، مرد، زن، اسپ، مملکت و غیره.

ب - اسم خاص: اسم خاص آن اسم را گویند که مانند آن وجود نه داشته باشد مثل: احمد، افغانستان، کابل، هرات، جرمنی، افتاب، زمین و غیره.

اسم از روی تعداد یا مفرد یا واحد (یک) و یا جمع (زیاد) میباشد
مانند:

مفرد	جمع
اسپ	اسپها
قلم	قلمها
زن	زنها
جوان	جوانها، جوانان
دختر	دخترها

۲- صفت Adjektiv

صفت کلمه‌یست که چگونگی اسم را بیان میکند مانند :

برادر من یک موتر سفید خرید .
ما در یک تعمیر بلند زندگی می کنیم .
احمد یک قلم کوتاه دارد ،
فاطمه یک چوکی کهنه خرید .
پدر احمد یک مرد دانا است .
من با یک دختر هراتی گپ زدم .
در جملات فوق سفید ، بلند ، کوتاه ، کهنه ، دانا و هراتی صفتها اند .

۳- ضمیر Pronomen

ضمیر کلمه‌یست که به عوض اسم استعمال میگردد مانند :

من	ما
تو	شما
او	انها

از من	از ما
از تو	از شما
از او	از آنها

ضمیر یا متکلم است یا مخاطب است و یا غایب است مانند :

متکلم Förste person:

متکلم کسی است سخن میزند. ضمیر متکلم یا مفرد و یا جمع میباشد مانند:

من (ضمیر متکلم مفرد)

ما (ضمیر متکلم جمع)

مخاطب Andre person :

مخاطب کسی است که متکلم به او خطاب میکند. ضمیر مخاطب یا

مفرد و یا جمع میباشد مانند :

تو (مفرد مخاطب)

شما (جمع مخاطب)

غایب Tredje person :

غایب شخصی یا چیزی است که متکلم در باره اش سخن میزند، غایب

هم یا مفرد است و یا جمع مانند:

او (مفرد)

انها (جمع)

۴- فعل Verb

فعل کلمه‌یست که کردن یا شدن یک کار را نشان میدهد مانند :

او مکتب می‌رود .
فریده غذا خود را خورد .
معلم به مکتب آمده بود .
من فردا به افغانستان خواهم رفت .
قاری صاحب قران شریف خوانده است .

در جملات فوق می‌رود ، خورد ، خواهم رفت و خوانده است افعال اند .
فعل از لحاظ وقت بر سه قسم است مانند : حال ، ماضی (گذشته) و
استقبال (آینده) که ما درین جا هر زمانه انرا جداگانه می‌خوانیم

الف- حال Presens

فعل حال فعلی را گویند که یک کار در حال حاضر انجام داده میشود
مانند :

من کار خانگی خود را می‌کنم .
او خانه برادر خود می‌رود .
احمد به پدر خود می‌گوید .
انها کتاب خود را می‌خوانند .

در جملات فوق می‌کنم ، می‌رود ، می‌گوید و می‌خوانند افعالی اند که در
زمانه حال واقع شده اند .

ب- ماضی (گذشته) : این فعل واقع شدن یک کار را در زمان گذشته بیان میکند و بر چهار نوع میباشد

– ماضی مطلق Imperfekt : ماضی مطلق را در جملات ذیل میخوانید

من کابل رفتم .
او کتاب مرا آورد .
تو کار خانگی خود را کردی .
شما دو بجه به مکتب آمدید .

در جملات فوق رفتم ، آورد ، کردی و آمدید افعال ماضی مطلق اند .

– ماضی قریب Perfekt : مانند

من نان چاشت خود را خورده ام .
او کتاب مرا آورده است .
قاسم کالا خود را به خیاط داده است .
نفیسه مادر خود را به پیش داکتر آورده .
سلطان به معلم خود گفته .

جملات فوق در زمان ماضی قریب واقع گردیده اند .

- ماضی (گذشته) بعید Pluskvamperfekt مانند :

من کتاب احمد را خوانده بودم .

شما کرایه او را داده بودید .

راضیه بوت برادر خود را آورده بود .

انها به کابل یک مکتوب روان کرده بودند .

جملات فوق در زمان ماضی بعید واقع شده اند .

- ماضی (گذشته) استمراری (جاری)

ماضی جاری کاری را در حالت جریان نشان میدهد مانند :

احمد دیروز کتاب خود را میخواند .

فاطمه دو سال پیش به چین سفر میکرد .

انها کتاب نفیسه را می آوردند .

من نان چاشت می خوردم که معلم من تلفون کرد .

در جملات فوق میخواند ، سفر میکرد ، می آوردند و می خوردم هر یک

فعل ماضی جاری یا استمراری است .

ج- فعل استقبال (آینده) Futurum :

واقع شدن فعل را در آینده نشان میدهد مانند :

احمد کابل خواهد رفت .

جليله نان چاشت خود را دو بجه خواهد خورد .

انها مكتب خواهد رفتند .

ما به هرات خواهيم سفر کرد .

داکتر به ولي دوا خواهد داد .

۵- قيد Adverb:

قيد کلمه يست که چگونگی یک فعل ، صفت و يا قيد ديگر را بيان میکند مانند :

او گريه کنان آمد .

صاحب خانه که صدا سگ را شنيد به زودي دويد .

دختر همسايه ما خيلي زيبا است .

موتر شما خيلي تيز مي دود .

در جمله اول گريه کنان قيد است زيرا که چگونگی فعل آمد را بيان میکند .

در جمله دوم به زودي قيد است زيرا که چگونگی فعل دويد را بيان میکند .

در جمله سوم خیلی قید است که چگونگی صفت زیبا را بیان میکند .
در جمله چهارم خیلی قید است که چگونگی قید تیز که قید فعل میدود
است بیان میکند .

۶ - حرف ربط Preposition:

مانند: به، با، بی، بر، تا، در، بر سر، زیر، از و غیره.

۷ - حرف عطف (وصل) Konjunktion :

حرف وصل حرفی است که دو جمله یا دو اسم را با هم یک جا می
کند مانند :

و ، که ، مگر ، زیرا که ، برای اینکه ، باوجود آنکه ، یا..... یا و غیره.

احمد و محمود به افغانستان سفر میکنند .
من که به مکتب رسیدم تو نه بودی .
انها کابل نه رفتند زیرا که پول نه داشتند .
نفیسه آمد مگر کتاب را نه آورد .

در سالهای بعد از ۱۹۸۶ یک تعداد شاگردان دری زبان داخل تدریس لسان مادری دری گردیدند. بنده با وجود کمبود کتب و مواد ممد درسی به تدریس لسان مادری دری نیز آغاز نمودم. در آن زمان نه کتب درسی پشتو و نه دری در دسترس ما بودند. با همه مشاکل این یک گرامر مختصر دری را با وجود کمبوداتی که دارد نوشتم.

این گرامر که شاید از یک طرف یک رهنما کوتاه گرامر دری خواهد بود و از طرف دیگر ممد آموزش گرامر سویدنی و خاصتا گرامر سویدنی خواهد بود.

کسانیکه چه معلم و چه شاگرد ازین گرامر استفاده مینمایند در حصه کمبودات و نواقص ان معذرت بنده را قبول کرده یا خود شان نظر به احتیجاتی که دارند اصلاح کرده و یا با من تماس بگیرند تا به همکاری یکدیگر اصلاحات لازم در ان بیاوریم.

تشکر

Ali Rasulzada
Sunnan v 271
216 17 Malmö
040- 156753
alirasulzada@hotmail.com